

به نام خدا

زندگینامه تقی رحمانی



تقی رحمانی در سال ۱۳۳۸ در قزوین متولد شد. از عنفوان جوانی به دنبال آشنایی با افکار دکتر علی شریعتی به فعالیت های سیاسی - اجتماعی روی آورد و همراه با سایر مبارزین نقش بسیار فعالی را در انقلاب ۵۷ ایفا نمود.

سال ۱۳۵۸ پس از اتمام تحصیلات متوسطه، وموفقیت در کنکور دانشگاه ها به دانشگاه تبریز راه یافت و در رشته مورد علاقه اش یعنی تاریخ شروع به تحصیل کرد. شور و شوق نسبت به آزادی و مردم و وفاداری نسبت به آرمان های انقلاب باعث شد که بعد از انقلاب به فعالیت های سیاسی خود ادامه دهد تا بالاخره در تابستان سال ۶۰ همراه با عده ای دیگر از همفکرانش دستگیر شد.

در پی این بازداشت وی به دو سال زندان به اتهام همکاری با گروه پیشتازان محکوم گردید ولی پس از اتمام این دوران از بند رهایی نیافت زیرا حاضر به اظهار ندامت و اجرای برنامه توبه و مصاحبه نشد و تا سال ۶۳ در زندان چوبیندر قزوین ماند.

گروه پیشتازان دارای افکار مذهبی ملهم از اندیشه های دکتر علی شریعتی بود که در ادامه فعالیت های قبل از انقلاب خود، بعد از انقلاب نیز به فعالیت فکری - سیاسی پرداخته و با ارائه جزوات و انتشار نشریه ای به نام «قسط» رسالت اجتماعی خود را دنبال می کرد.

رحمانی در سال ۶۳ بعد از آزادی از زندان فعالیت خود را در ارتباط با تشکل موحدین انقلابی از سر گرفت. وی تا سال ۱۳۶۵ با این گروه همکاری داشت و اینبار در شهریور ماه ۱۳۶۵ دستگیر شد و در دادگاه انقلاب اوین محاکمه شد. این دادگاه که به ریاست مبشری (رئیس فعلی دادگاههای انقلاب) در کمتر از ۵ دقیقه و آنهم با توهین مبشری راجع به مسائل غیر پرونده صورت گرفت منجر به صدور ۱۰ سال حکم زندان برای رحمانی گردید.

اینبار نیز رحمانی به طور مظلومانه به اتهام کمتر از یک سال همکاری با یک گروه فکری - سیاسی سالهای زیادی از بهترین دوران عمر خویش را مجبور به تحمل زندان اوین گردید.

گروه موحدین انقلابی نیز یک گروه مذهبی متأثر از اندیشه های شریعتی بود که در دهه ۶۰ اقدام به کار فکری - سیاسی در قالب طرح اندیشه های دکتر شریعتی و انتشار نشریه «خروش» میکرد . برجسته ترین مواضع این گروه در آن سالها مخالفت با استبداد و مخالفت با ادامه جنگ و افشاگری سیاستها و قراردادهای اقتصادی حکومت بر علیه مردم بود .

گروه موحدین انقلابی و همچنین پیشتازان به مشی آگاهی بخش اعتقاد داشته و مخالف مشی مسلحانه و براندازی بودند و همیشه به حفظ مرزبندی خود چه از نظر فکری - سیاسی و چه از نظر مشی مبارزاتی با گروه های غیر مذهبی و غیره می پرداختند.

به هر حال رحمانی پس از هشت سال تحمل زندان در سال ۱۳۷۳ پس از سفر آقای گالین دوپل نماینده وقت حقوق بشر به ایران و طرح نام وی (و آقایان عباس امیر انتظام و محمد علی عمویی) در سند رسمی سازمان ملل و ذکر نوع اتهام صرفا فکری و سیاسی ایشان در این سند، آزاد گشت.

رحمانی بعد از رهایی از زندان با عزمی استوارتر به راه خویش که همانا تلاش در راه آزادی و دفاع از حقوق اساسی ملت است، ادامه داد. وی از آن سال به بعد با طرح اندیشه ها و مواضع فکری سیاسی خود به طور علنی در جلسات و سخنرانی های مختلف به ویژه دانشگاه های کشور پرداخت. این مباحث مورد استقبال جوانان خصوصا دانشجویان قرار گرفت و به دنبال آن در مناسبتها و مراسمهای مختلف اکثر دانشگاه های کشور از وی برای ایراد سخنرانی دعوت به عمل می آوردند .

در سال ۱۳۷۵ شروع به همکاری با ماهنامه ایران فردا بامدیر مسئولی مهندس عزت الله سبحانی کرد که حاصل این همکاری درج مقالات بسیاری در این مجله بود . پس از خرداد ۱۳۷۶ با اوج گیری حرکت های اصلاح طلبانه و گشایش در فضای سیاسی کشور چهره او بیشتر در عرصه مطبوعات نمایان گشت. به طوری که مقالات بسیاری از وی در زمینه مسائل فکری و سیاسی در نشریات و روزنامه های کشور به چاپ رسید.

در بهار سال ۱۳۷۶ با اعلام موجودیت دفتر پژوهش های فرهنگی دکتر علی شریعتی به مدیر مسئولی آقای یوسفی اشکوری، رحمانی یکی از همکاران این دفتر فرهنگی شد که در آن به طرح مباحث فکری خویش می پرداخت .

با تشکیل ائتلاف نیرو های ملی - مذهبی در این سال ها او با فعالیت مستمر خویش این ائتلاف را یاری نمود. این فعالیت چشمگیر او را به یکی از چهره های مشخص این ائتلاف تبدیل نمود. البته این فعالیت از چشم انحصار طلبان نیز دور نماند، به طوری که نام او در لیست قتل های زنجیر های قرار داده شد . ولی خوشبختانه با ناقص ماندن این پروژه ، او و بقیه افراد باقیمانده این لیست جان سالم به در بردند.

همچنین در این سالها که قوه قضاییه کنترل اصلاحات را به عهده گرفته و شروع به پرونده سازی برای فعالان سیاسی کرد رحمانی نیز از این برنامه در امان نماند. یک بار در شهرکرد با شکایت نماینده مدعی العموم و یک بار در تهران با شکایت حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی بارها و بارها به دادگاه کشانده شد. ولی این مسائل هیچ گاه او را از ادامه راه باز نداشت.

در پائیز ۱۳۷۸ که شورای فعالان ملی - مذهبی با ترکیبی از افراد سیاسی و مستقل شکل گرفت وی نیز یکی از فعالان این شورا بود که همراه با سایر اعضای این شورا فعالیتها ی در زمینه انتخابات مجلس ششم و طرح مواضع سیاسی راجع مسائل روز داشت و در ادامه این فعالیت بود که در تاریخ ۷۹/۱۲/۲۱ همراه با سایر اعضای این شورا در منزل آقای بسته نگار به اتهام اقدام در جهت براندازی حاکمیت جمهوری اسلامی و بنیان گذاری جریان ملی - مذهبی دستگیر شد و از آن تاریخ به بعد در بازداشتگاهی نامعلوم بسر می برد.

افکار رحمانی را میتوان در جایگاه نحله نواندیشی دینی قرار داد. او با شناخت عمیق خود از اندیشه های دکتر علی شریعتی وی را سازنده اتمسفر بزرگ زیست مذهبی دانسته و بارها و بارها در مسائل فکری و اجتماعی به بازخوانی شریعتی پرداخته است. رحمانی واژه ملی - مذهبی را نه به عنوان یک تاکتیک بلکه همانند دکتر شریعتی عقیده دارد که مذهب به شکل باور و ملیت به شکل شخصیت هر فرد عمل می کند.

در آثار خود، به مذهب با مفهوم سپهرسازی زندگی فردی و جمعی در هستی و بانقش لطافت بخشی به رابطه آدمی با هستی، جامعه و انسان معتقد است و سودای بزرگ اقبال لاهوری در ارائه تفسیر معنوی از هستی، انسان و جامعه را به عنوان یک اصل اساسی باور دارد.

همچنین او اندیشه دینی - سیاسی متأثر از مذهب را در چالش با استبداد و در رقابت با اندیشه سکولار می داند و به تحقق طرح مدرنیته بومی در جامعه میاندیشد.

رحمانی به نقش و جایگاه کار فکری در عرصه مبارزات اجتماعی اهمیت فراوانی قائل شده و آثاری از قبیل درک مفهوم خداوند - درک مفهوم وحی - تاویل و متن مرجع - عقل مذهبی - تلاش در راه درک معنی وحی و ختم نبوت - دین به مثابه جوهره فرهنگ - متدلوژی نو اندیشان مسلمان - رویکرد هرمنوتیکی به متن ...- بیان گر این اهمیت در بینش او می باشد.

همچنین جزوات شریعتی و نقادی سنت - شریعتی نقاد مدرنیته - در راستای مدرنیته شرقی - بحران نظریه و مدل سیاسی در ایران - مشکل استقرار دموکراسی در ایران - روند صلح خاورمیانه - جنبش دانشجویی و رادیکالیسم - ملی مذهبی و چالشهای دوران ساز - مشکل تحزب در ایران - ما و غرب - و... بیانگر اندیشه سیاسی او می باشد.